



تحلیل و بررسی ملاک‌های طبقه‌بندی مشاغل با توجه به فقه المکاسب

روح‌الله آهنگران^{۱*}، میثم جاوید^۲

چکیده

اقتصاد و امور مادی همیشه در زندگی بشر، حتی زمانی که به زندگی اجتماعی روی نیاورده بود، رکن اساسی محسوب می‌گردید، لیکن امروزه با پیچیده شدن زندگی اجتماعی و خارج شدن جوامع از مراحل ابتدایی و برقراری روابط گسترده انسان‌ها، اقتصاد و نحوه کسب‌وکار جهش خیره‌کننده‌ای داشته و جلوه‌گری خاصی در جوامع پیدا کرده است. فعالیت‌های اقتصادی در جوامع بشری و در تمامی اعصار به دلیل تأثیرات متقابلی که میان شخص و اجتماع حکم فرماست به صورت مستمر مورد توجه بوده است. دین اسلام نیز با توجه به اهمیتی که فعالیت‌های اقتصادی بر جامعه دارد، نظام ارزشی را ایجاد کرده است تا مسلمانان با توجه به آن بتوانند به سعادت دنیوی و اخروی برسند. هدف از انجام این پژوهش تحلیل و بررسی ملاک‌های طبقه‌بندی مشاغل با توجه به فقه المکاسب می‌باشد تا نمای کلی از اهمیت فعالیت اقتصادی و شاخص ارزش‌گذاری در کسب و بررسی مشاغل مباح و محرّمه نشان داده شود که در این راستا روش انجام این پژوهش به صورت توصیفی و تحلیلی و استفاده از اسناد کتابخانه‌ای و فیش‌برداری می‌باشد. نتایج این پژوهش نشان داد که فعالیت‌های اقتصادی و کسب درآمد در دین اسلام از اهمیت بالایی برخوردار است لذا برای حفظ اجتماع و عدم اختلال در نظام اقتصادی، مشاغل را طبقه‌بندی نموده تا علاوه بر تأکید و توجه ویژه به فعالیت کسب‌وکار برای تولید و امرار معاش، جامعه را نیز در انتخاب مشاغل صحیح و عقلایی هدایت و رهنمون سازد.

واژگان کلیدی: درآمد، طبقه‌بندی مشاغل، فقه المکاسب، کسب‌وکار، ارزیابی فقهی مشاغل، نظام اقتصادی، کسب مال حرام، شغل مباح

۱- دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز؛ (مسئول مکاتبات) r.ahangaran@chmail.ir

۲- دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز

با نگاهی هرچند گذرا به آموزه‌های دینی، مشخص می‌شود که پیوند عمیق و تأثیر متقابل میان دین و اقتصاد برقرار است. قرآن کریم، اصلاح امور اقتصادی جامعه را در کنار دعوت به توحید، از مهم‌ترین رسالت‌های پیامبران معرفی نموده چنانچه در آیه ۸۴ سوره هود به تلاش حضرت شعیب (ع) برای اصلاح امور اقتصادی یادآور می‌شود که بیان می‌دارد: «ای قوم من! خدا را پرستش کنید که جز او، معبود دیگری نیست! پیمان‌ها و وزن را کم نکنید (یعنی دست به کم‌فروشی نزنید)» بنابراین در قرآن کریم این مسئله به‌وضوح روشن می‌سازد که برخی از انبیاء به‌طور مستقیم برای اصلاح امور اقتصادی و شاخص‌گذاری صحیح در کسب و درآمدزایی مداخله داشته و الگویی را به جوامع بشری تبیین نموده است. همانند آیات ۴۷ الی ۴۹ و ۵۴ الی ۵۶ سوره یوسف و برای تبیین جزئیات دقیق‌تر در کسب و نحوه درآمدزایی در آیات ۲۸۲ و نیز ۲۸۰، ۱۸۸، ۲۷۵ و ۲۸۳ می‌توان اشاره کرد. در اسلام از یک‌سو رفتارهای اقتصادی و کسب مشروع، به‌عنوان عبادت تلقی شده و از سوی دیگر انجام وظایف دینی و عبادت به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم وابسته به امور اقتصادی بوده و گاه آمیختگی و پیوند معناداری با فعالیت کسب‌وکار اقتصادی دارد که خود بیانگر پیوند ناگسستنی دین و اقتصاد و تأثیر متقابل آن دو بر یکدیگر است. (ایروانی، ۱۳۹۰: ۲۹)

بنابراین در اسلام فعالیت اقتصادی پایه و ستون دین به‌شمار رفته و در آیات و روایات بسیاری ذکر گردیده که اقتصاد را همانند جهاد قلمداد کرده؛ چرا که باعث عزت مسلمین خواهد شد. از دیدگاه قرآن، مال و اقتصاد قوام و ستون زندگی است؛ همانگونه که خدای متعال در آیه ۵ سوره نساء بیان فرموده «التي جعل الله لكم قیاما» و نیز بر طبق آموزه‌های نهج‌البلاغه یکی از چهار حق مردم به رهبر و امام توفیرفیئ یعنی تکثیر و فراوان ساختن سرمایه‌های عمومی و منابع طبیعی است. چرا که یکی از اصول اولیه اقتصاد سالم حیا و قابلیت رشد و نمو ثروت است. از سویی اهداف متعالی اسلام بدون اقتصاد سالم امکان‌پذیر نیست و نیز برای جلوگیری از سلطه کفار و بیگانگان بر مسلمین، مسلمانان می‌بایست خودکفا باشند و دچار کم‌خونی اقتصادی نباشند (هوشمند و دیگران، ۱۳۸۷: ۳).

الف- بیان مسأله

یکی از ارکان‌های اساسی در زندگی اجتماعی، جهاد و کار و کوشش انسان‌ها می‌باشد. کار و فعالیت در جامعه دارای نقش و کارکرد اساسی است. کار و جهاد، یک جامعه را به مرزهای توسعه و ترقی نزدیک ساخته و باعث آبادانی و رشد آن سرزمین می‌شود، علاوه بر آن کار و فعالیت، نتایج ارزنده‌ای را در جسم و روح انسان دارد. با توجه به فواید و نتایج مثبت کار در اجتماع و روحیه فرد، آموزه‌های اسلام به کار و جهاد اهمیت زیادی می‌دهد (علوی زادگان، ۱۳۹۷).

اهداف اقتصادی، نقطه‌های مطلوب و خواسته‌هایی هستند که هر فعال اقتصادی، با توجه به فعالیت خود و کل نظام اقتصادی، راهبردها و سیاست‌های نظام مند را سامان می‌دهند همانند رفاه عمومی، عدالت اقتصادی، امنیت اقتصادی و رشد اقتصادی در این مقوله است. (یوسفی، ۱۳۸۷: ۳۱) پس توجه به طبقه‌بندی مشاغل و همچنین باید‌ها و نباید‌های نظام درآمد زایی در فقه مکاسب معطوف به رفع نیازهای ضروری بشر نبوده بلکه درصدد ایجاد عدالت اجتماعی و امنیت اقتصادی نیز می‌باشد. معیشت شناخت احکام فقهی در خصوص آداب تجارت و اکتساب بر هر مسلمانی به خصوص تاجران و کاسبان لازم و ضروری است، چنانچه حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «یامعشرالتجار، الفقه ثم المتجر»؛ ای جمعیت تجار اول فقه و شناخت احکام (کاسبی کردن) و سپس کار تجارت پرداختن؛ و این جمله را سه بار تکرار فرمودند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۵۰/۵) پس علاوه بر اخروی دیدن داد و ستد لازم است با شناخت از آداب تجارت بر مسأله‌ی اخلاقی و سلوکی آن نیز اهتمام داشت تا در معاملات و داد و ستد در مسیر ربا و معاملات نامشروع قرار نگیرد.

کسی که اسلام را بررسی کند، می‌یابد که این دین، در حل مسائل اقتصادی با ادیان دیگر تفاوت دارد. ادیان گوناگون گاهی درباره مسئله‌ای معین، به‌ویژه علم اقتصاد، مواضع متفاوت دارند؛ اما موضع اسلام به حدی با ادیان دیگر تفاوت دارد که به آن چهره‌ای ممتاز می‌بخشد. این برجستگی با ملاحظه دو مسأله‌ی اجمالی برای ما روشن می‌شود. هر یک از این دو مسئله دارای فروع و تفصیلاتی است؛ که عبارت‌اند از:

أ. وجود مقدار بسیاری از مبادی و توجیهاات و تشریعات و احکام که ناگزیر نظام اقتصادی ممتازی را پدید می‌آورد. این نظام چارچوب کاملی که بر رفتار اقتصادی محیط است، شمرده می‌شود و آن را در جهت معین و مطلوب سوق می‌دهد.
ب. وجود سخنان متعددی که در مجموع، داده‌های عینی را ارائه می‌دهند که به فهم رفتار اقتصادی افراد و گروه‌ها کمک می‌کند.

درباره مسئله اول، یعنی این‌که اسلام در جایگاه دین، دارای نظام اقتصادی خاص خود است، می‌گوییم: محقق قرآن و سنت، در هر سطح علمی و رفتاری که باشد، درمی‌یابد که قرآن و سنت شیوه رفتاری انسان در همه زمینه‌ها را در بردارد و بخش قابل توجهی از آن درباره رفتار اقتصادی است. این دو منبع اساسی دین اسلام، آن دسته از ارزش‌های اخلاقی و اصول اساسی را که

ساختار انگیزه‌های ذاتی در انسان را می‌سازد، ارائه می‌کند. همچنین این دو منبع چارچوب قانونی و نهادهای اجتماعی را که رفتار اقتصادی درون آن‌ها شکل می‌گیرد، وضع می‌کنند. کل شریعت، این امور را بیان می‌کند؛ بنابراین، انسان برای درک کامل ژرفای شریعت در تبیین مؤلفه‌های عمومی نظام اسلام که شامل همه جوانب زندگی می‌شود و مؤلفه‌های نظام اقتصادی اسلام، کافی است یکی از کتاب‌های فقهی اگرچه ابتدایی را ملاحظه کند. شاید اشاره به دو نکته اساسی که این معنا را تأکید می‌کنند و آن را در چارچوب ویژه خود قرار می‌دهند، به صورت مختصر مفید باشد. قرآن کریم به‌طور قاطع، اسلام را روشی برای همه ابعاد زندگی معرفی می‌کند، آنجا که از زبان پدر انبیا، حضرت ابراهیم می‌گوید:

قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * أَشْرِكُ لَهُ وَيَذِكُ أُمْرَتُ وَاَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ (انعام: ۱۶۲ و ۱۶۳). همچنین قرآن کریم تأکید می‌کند که دین به این سبب کامل و نعمت خداوند بر آفریدگانش تمام شد که اسلام را برای آنان برگزید تا برحسب مقتضای اسلام در همه فعالیت‌های انسانی در این دنیا به تعامل بپردازند. نکته دوم این است که دین اسلام، رفتار انسانی را از طریق کار فعال بر روی داده‌های مادی و اجتماعی که محیط و ابزار عمل را شکل می‌دهند، هم‌زمان در جهت تحقق هدف عبادت خداوند سامان می‌دهد. به عبارت دیگر، تحقق اهداف آخرتی فقط با احسان در این دنیا میسر است؛ هر آنچه کلمه احسان آن را اقتضا می‌کند، همچون ساختن و آباد کردن و اصلاح و تعمیر؛ بنابراین، کوشش انسانی در دنیا انحراف از رضایت خداوند نیست؛ بلکه اطاعت خداوند و راه وصول به خشنودی او است. اموری همچون ساختن زندگی مادی و تحسین آن و بهره‌برداری از آن، فی‌نفسه وسایل دستیابی به متاعی است که خداوند به ما بخشیده و کناره‌گیری و عقب‌نشینی از زندگی، گناهی است که خداوند آن را در قرآن و پیامبر در سنت محکوم کرده است. بر این اساس، به‌رغم این‌که هدف زندگی توفیق در آخرت است، تحقق این توفیق بدون آباد کردن و شکوفا ساختن این دنیا ممکن نیست. اصول اخلاقی اسلام، به ثروت به‌صورت وسیله‌ای برای ارضای انسانی و افزایش توان او برای تقرب بیشتر به سوی خداوند می‌نگرد؛ بنابراین، اسلام نه تنها تلاش برای دستیابی به ثروت و بهره‌برداری از آن را محکوم نمی‌کند، بلکه شور و شوق دستیابی به درآمد بیشتر و اموال بیشتر و استفاده از آن‌ها را نیز رد نمی‌کند (قحف، ۱۳۸۴).

در این پژوهش با توجه به اهمیتی که اقتصاد در جامعه اسلامی دارد، هدف از این تحقیق تحلیلی بر ملاک طبقه‌بندی مشاغل از نگرش فقهی و بررسی مستندات روایی در ترغیب فعالیت‌های اقتصادی و تقسیم بندی مشاغل در پرتو احکام تکلیفی می‌باشد.

ب- پیشینه تحقیق

در طول چندین دهه گذشته با توجه به اهمیت موضوع تحقیقاتی زیادی در این رابطه صورت گرفته است و هر کدام از آن‌ها تلاش کرده‌اند تا جنبه‌ای اهمیت فعالیت اقتصادی را برای جامعه اسلامی بیان کنند و همچنین به توضیح نظام اقتصادی اسلام پرداخته‌اند.

سید امیرحسین بنی اشرف، طهماسب علی پوریانی، روح اله بهرامی و سجاد دادفر (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان پیامبر اسلام (ص) و مدیریت تعالی بخش در اقتصاد سیاسی به دنبال ارائه چارچوبی روشی برای فهم درست‌تر از مدیریت پیامبر (ص) در حوزه اقتصاد سیاسی و در رویارویی با اقتصاد سیاسی صدر اسلام است. رفتار مدیریتی پیامبر (ص) در مسیر تعالی بخشی است و ما می‌توانیم این تعالی بخشی را در مفهوم امروزی ایدئالیسم عینی گرا پی گرفته و قابل فهم نماییم و امروزه نیز به‌عنوان الگویی قابل قبول در مدیریت اقتصاد سیاسی از آن بهره‌مند شویم. همچنین بیان کرده‌اند که هر جامعه‌ای اعم از بدوی و مدنی، مبتنی بر یک شکل‌بندی سیاسی است که برای ماندگاری خود باید از یک ساز و کار اقتصادی بهره‌مند باشد. این ساز و کار اقتصادی در زمان جاهلی بر استفاده ابزاری از موقعیت جغرافیایی مکه به‌عنوان یک منطقه استراتژیک تجاری-دینی و نیز اقتصاد قبیله با مؤلفه‌هایی چون غارت، غنیمت و... مبتنی بوده است. با ظهور اسلام و تشکیل جامعه اسلامی تحت رهبری حضرت محمد (ص) قابل انتظار است که نظام نوپای وی هم نیازمند بنیان و ساز و کاری اقتصادی بوده و اقتصاد اعراب جاهلی که به‌صورت و سیرت در وضعیتی بدوی و عمدتاً غیراخلاقی قرار داشت، مورد تأیید اسلام نباشد. وانگهی عبور از این ساختار و جایگزینی آن با نظامی جدید از مبادی و مبانی اقتصادی هم ممکن نبود.

مهدی اسفندیاری و محمدرضا زارع مهرجردی (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان بررسی مبانی نظام اقتصاد سرمایه‌داری و نظام اقتصاد اسلام در مورد حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست به بررسی نهادهای ارزشی نظام اقتصاد اسلام (به روش تحلیل منطقی) که مصالح فرد و جامعه را مورد توجه قرار می‌دهد و به این نتیجه رسیده‌اند که نهادهای نظام اقتصادی اسلام می‌تواند با کاستن از اثرگذاری خارجی منفی زیست‌محیطی، تحقق توسعه پایدار و استیفای حقوق انسانی، بستر مناسبی را برای محافظت از منابع طبیعی و محیط زیست فراهم کند.

حسین غفور زاده (۱۳۹۴) در مقاله تحت عنوان معیار اخلاقی فعالیت‌های اقتصادی از دید آیه‌های اقتصادی قرآن کریم به بررسی تطبیقی معیار اخلاقی فعالیت‌های انسان درباره رفتارهای اقتصادی با عنایت به آیه‌های اقتصادی قرآن کریم پرداخته است.

محقق در ابتدا به توضیح مختصری از نظریه‌های اخلاق هنجاری پرداخته؛ سپس با بررسی آیه‌های اقتصادی قرآن کریم در قالب گزاره‌های اخباری و انشایی، مصداق‌هایی برای هر یک از این نظریه‌ها بیان شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد با مصداق‌هایی که قرآن کریم در آیه‌های اقتصادی آورده، روح حاکم بر فعالیت‌های اقتصادی باید فضیلت‌گرایی به معنای داشتن حُسن فاعلی و رعایت اعتدال در امور اقتصادی قرار گیرد و باید وظیفه‌گرایی نتیجه‌گرا به معنای ملتزم بودن به دستورهای الهی در زمینه اقتصادی و در عین حال توجه داشتن به نتیجه‌های سنت‌های اقتصادی قرآنی مد نظر فعالان اقتصادی قرار گیرد.

صمد عبدالهی عابد و مه‌ری قبادی (۱۳۹۳) در پژوهش تحت عنوان راهکارهای قرآن برای رونق اقتصادی بیان کرده‌اند که در دنیای امروز که ابزار تولید و توزیع پیشرفت کرده، روابط اقتصادی به شدت پیچیده شده است و هر کشوری برای بهبود وضع اقتصادی خود تلاش می‌کند، به طوری که هر روز عرصه را برای رقیبان خود تنگ‌تر می‌سازد و اهمیت این امر وقتی مشخص می‌شود که تأثیرهای اقتصاد را بر سیاست و فرهنگ مشاهده کنیم. در جامعه جهانی امروز کشوری که اقتصاد آن ضعیف باشد، ناچار در مواردی مجبور است زیر بار تهاجم سیاسی و فرهنگی صاحبان اقتصاد باشد. در این مورد، کشورهایی که اقتصادی ضعیف دارند، دو کار اساسی باید انجام دهند و آن، تقویت تولید و استحکام بنیه‌های اقتصادی و نیز مقاومت در برابر فشارهای سیاسی و فرهنگی رقیبان برای حفظ هویت خود است. هدف آن‌ها از این تحقیق بررسی این امر است که چگونه می‌توان با استفاده از مؤلفه‌هایی که قرآن به جامعه ارائه می‌دهد، اقتصادی موفق داشته باشیم و تمدن اسلامی معاصر را شکل دهیم و به صورت عملی مورد استفاده قرار دهیم؛ بنابراین، در این جستار سعی خواهد شد تا پیشنهادهایی از قرآن کریم و روایات ارائه شود تا بر مشکلات اقتصادی جامعه فائق آییم.

ج- روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش از لحاظ روش، تحلیلی - توصیفی می‌باشد. همچنین روش از لحاظ هدف کاربردی است. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش کتابخانه‌ای است. ابتدا با جستجو در پایگاه‌ها و سایت‌های اینترنتی و بانک‌های اطلاعاتی و استنادی همانند پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران، SID، مرکز تحقیقات علوم انسانی نور (نور مگز)، تبیان، مگ ایران و سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و سپس مراجعه به کتابخانه‌های دیجیتال این پژوهش انجام گرفته است. معهداً مطالب آن بیشتر برگرفته از روایات و آیات قرآن کریم می‌باشد.

۲- تعاریف و مفاهیم

۲-۱- تعریف شغل

از نظر لغوی کار به معنی فعل و عمل می‌باشد و هرآنچه که از شخص صادر و خود را به آن مشغول کند. شغل را (بر وزن عنق و قفل) خوانده‌اند هر دو بمعنی مشغولیت‌اند. (قرشی، ۱۳۷۱: ۴/۴۸). شغل مترادف کار و متضاد آن «خلأ» و «فراغ» می‌باشد. (مصطفوی، ۱۳۳۰: ۶/۹۷) همچنین کاری که صاحبش را بخود معطوف دارد و فرصتی برای کاری دیگر نداشته باشد را شاغل می‌گویند. (بستانی، ۱۳۷۵: ۵۱۱)

در اقتصاد، کار یکی از عوامل تولید کالا و خدمات می‌باشد و در عوض آن دستمزد پرداخت می‌گردد، عامل انسانی در جریان تولید است و در همه مکاتب فکری از جایگاه ممتازی برخوردار می‌باشد. کلسن، کار را چنین تعریف می‌کند: استفاده ایست که انسان از نیروی مادی و معنوی خود در راه تولید ثروت یا ایجاد خدمات می‌برد (توسلی، ۱۳۹۸: ۹). مجموعه کارها و وظایف و مهارت‌های لازم در راه رسیدن به هدف‌های معین سازمان را «شغل» می‌گویند. (شایان مهر، ۱۳۷۷: ۳۴۷).

کار می‌تواند به عنوان انجام وظایفی تعریف شود که متضمن صرف کوشش‌های فکری و جسمی بوده و هدفشان تولید کالاها و خدماتی است که نیازهای انسانی را برآورده می‌کند و شغل یا پیشه، کاری است که در مقابل مزد یا حقوق منظمی انجام می‌شود. کار در همه فرهنگ‌ها اساس نظام اقتصادی یا اقتصاد است، که شامل نهادهایی است که با تولید و توزیع کالاها و خدمات سروکار دارند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۵۱۷). به عقیده‌ی بعضی از صاحب‌نظران در تعریف کار به نوع خاصی از کار توجه نشده است؛ بلکه کار را در مفهوم عام سرچشمه‌ی انباشت ثروت و سرمایه و نهایتاً رشد و شکوفایی جوامع تلقی کرده‌اند. پولکس فن (Pollexfen) می‌گوید:

مردم سر چشمه ثروت‌های منقول بوده و افزایش ثروت از کار و زحمت آن‌ها ناشی می‌شود. (میک، ۱۳۵۸: ۲۲)

از نظر «لودیک اچ مای» اقتصاددان آمریکایی: هر گونه فعالیت انسانی، خواه ذهنی و جسمی و خواه معنوی و ایده‌ای که به تولید کالاها یا خدماتی بیانجامد، کار نامیده می‌شود. به عقیده کارل مارکس: کار، عملی است که ما بین انسان و طبیعت انجام می‌گیرد و فعلی است که فاعل آن انسان و مفعول آن طبیعت است. از نظر اقتصاددانان لیبرال: کار عبارت است از استفاده‌ای که انسان از قوای مادی و معنوی خود در راه تولید ثروت یا ایجاد خدمات می‌کند.

کار در لغت فارسی در معانی مختلف استعمال شده است. به معنی شغل، عمل، پیشه، رفتار و کردار، آنچه در عالم خارج تحقق می‌یابد، ممارست، اشتغال، تمرین، حادثه، صنعت و هنر، رنج و زحمت، بنا و ساختمان، حاجت احتیاج وسیله معیشت است (فرهنگ معین، ۱۳۷۵: ۳/ ۲۷۸۹). کار و شغل فعالیتی بدنی یا فکری در جهت تولید و خدمت است و به طور کلی، کار فعالیتی است که از کسی خواسته شده و در مقابل آن، به وی مزد پرداخت می‌شود. (شرتزر، ۱۳۶۹: ۲۰۷)

شغل یعنی کاری که فرد مشغول به انجام آن است و از طریق آن هم انجام وظیفه می‌کند و هم امر معاش می‌نماید. اشتغال در فرهنگ نامه های اقتصادی به معنای مشغول بودن به کار تعریف شده است. بنابراین تعریف هرگونه فعالیتی که انسان اعم از زن و مرد در خانه یا بیرون خانه انجام دهد اشتغال است اما برخی از اقتصاد دانان قید مزد و پاداش را نیز بر تعریف اشتغال افزوده و بیان داشته اند: اشتغال مشغول بودن به کاری است که پاداش و مزد در برابر آن وجود داشته باشد. براساس این تعریف مفهوم اشتغال محدودتر شده و فقط شامل کارها و فعالیت‌هایی می‌شود که در قبال آن دستمزد پرداخت می‌شود اما تلاش‌هایی که مجانی صورت می‌گیرند مثل برخی از کارهای زنان در خانه مشمول اشتغال نخواهد بود.

۲-۲- تعریف فقه مکاسب

دانش و ادراک و مطلق فهم (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵۲۲/۱۳)، علم به چیزی، درک و فهم آن چیز (زهری، ۱۴۲۱: ۲۶۳/۵)، دانستن، فهمیدن؛ فهم دقیق چیزی (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴۴۲/۴)؛ درک اشیاء مخفی، فهم اشیاء دقیق (عبدالنصر، ۱۴۱۰: ۹/۱)؛ درک منظور و هدف گوینده؛ فهم دقیق مسائل نظری؛ جودت ذهن و سرعت انتقال (شهابی، ۱۳۷۵: ۳۰/۱)؛ پی بردن از معلومات حاضر به معلومات غایب (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۴۲) از جمله مفاهیم لغوی است که برای «فقه» به کار رفته و به استنباط احکام شرع کمک می‌کند. منظور از فقه، قوانین الزامی و غیر الزامی است که از طرف خداوند متعال برای بشر وضع گردیده است. همچنین در اصطلاح واژه فقه نزد فقها و اندیشمندان دینی به هر قانون الهی در شریعت اسلام را حکم نامیده و هر حکم، مشخص کننده وظیفه‌ای است که خداوند متعال در مورد هر یک از کارهای بندگانش، از آنها انتظار دارد. (مشکینی، ۱۴۱۹: ۴۰۳) هدف این احکام، این است که انسان عمل خاصی را در خارج انجام دهد یا ترک کند یا اینکه نسبت به ترک یا انجام آن مخیر باشد؛ بنابراین علم و آگاهی یافتن به احکام شرعی از راه اثبات کننده و دانستن آن احکام شریعت از مجرای استدلال و برهان را «علم فقه» می‌گویند. (شریف مرتضی، ۱۴۰۵: ۲۷۹/۲) مع الوصف علم فقه علمی است که از منظرهای مختلف و متعدد به بررسی این قوانین می‌پردازد و در پیرامون آن بحث می‌کند. موضوعات فقهی مثل نماز، روزه، حج، معاملات و بسیاری از موضوعاتی که در فقه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. چراکه پیشروی فقه در موضوعات حیات بشری تا آنجا است که اصل شریعت به پیش می‌تازد. تا هر کجا که دین به دخالت در پهنه‌های مختلف زندگی بشر پرداخته است، فقه نیز به آنها دست می‌یازد و به اظهار نظر و امر و نهی می‌نشیند. زندگی بشر و نیازهای او را می‌توان در سه حوزه تن و جسم، روح و روان و ارتباط با خدا، با خود و با سایر موجودات خلاصه کرد. فقه به تناسب هر کدام از این سه حوزه به راهنمایی می‌پردازد و فرامین الزامی یا غیرالزامی صادر می‌کند. (تقوی، ۱۳۷۴: ۲۱۱) یکی از موضوعاتی که در فعالیت روزمره زندگی مورد توجه بوده و فقه به آن می‌پردازد، مسئله ی معامله و کسب می‌باشد.

«مکاسب» جمع مکسب و «مکسب» مصدر میمی به معنای «ما یطلب به المال» می‌باشد؛ یعنی آن چیزی که به وسیله آن، مال طلب می‌شود و مال از آن به دست می‌آید. (تبریزی، ۱۴۱۶: ۵/۱) همچنین به فرآیند عملی و انجام دادن کاری که موجب گردد که بر انسان سود مالی رسد یا موجب دفع ضرر مالی گردد را کسب می‌گویند. (شریف مرتضی، ۱۴۰۵: ۲۸۰/۲) البته هرچند برخی واژه «مکاسب» را این گونه معنا نموده‌اند، لیکن ظاهر آن است که کسب به معنای طلب و سعی در طلب رزق و معنای اصلی آن، جمع کردن است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۶۲/۱۳) پس کسب در لغت به معنای طلب معیشت و اکتساب به معنای طلب کسب است. همچنین کسب در اصطلاح به سعی و تلاش برای تحصیل معاش و روزی را می‌گویند. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۷۱۶/۱) همچنین در واژه «کسب» در ادبیات قرآن به معنای آنچه را که انسان برای خود انجام می‌دهد بیان شده است؛ و این عمل انجام دهنده می‌تواند در کار خیر و یا شر باشد و همچنین این نوع کسب علاوه بر مرد برای زنان نیز استعمال شده است. (نساء: ۳۴) بنابراین فقه مکاسب تبیین کننده قوانینی جامع زندگی در داد و ستد بندگان است که منشأ این قانون، الهی بوده که از طرف خداوند متعال برای زندگانی بشر آشکار گردیده تا موجب تأمین سعادت دنیوی و اخروی آنان شود.

۲- حق آزادی انتخاب شغل

از اهداف مردم سالاری دینی در عرصه اقتصاد، آزادی داشتن در فعالیت های اقتصادی به گونه ای که در انتخاب شغل و در نوع، میزان و کیفیت کالای تولیدی حق نظر و اختیار داشته و در عرصه حاکمیت دینی، شرایط بهره مندی از این نوع فعالیت های کسب و کار برای آنان فراهم باشد. (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳: ۱۱۲)

آزادی‌های اساسی دو نظر عمده وجود دارد که یکی حقوق طبیعی و فطری و دیگری نظریه حقوق موضوعه است که ما آنها را ناشی از حق حیات، کرامت و آزادی انسان دانستیم که خدا به انسان اعطا کرده است.

کرامت، حیات و آزادی اعطا شده از سوی خداوند منشأ حقوق و آزادیهای دیگری برای انسان شده است. اولین اصل که زیر بنای زندگی اجتماعی است اصل مساوات و برابری است که دارای سه جنبه مساوات در حقوق و تکالیف، مساوات در اصل انسانیت و مساوات در برابر قانون است. دومین اصل، امنیت است که لازمه بهره برداری شخص از آزادیهای دیگر است و منظور از آن مصونیت از هر نوع تعرض به جان، مال، مسکن، حیثیت و شرف افراد است. براساس اصل اباحه هیچ منعی برای فعالیت‌های افراد وجود ندارد، مگر آنکه قانون آن را ممنوع ساخته باشد و بنابر اصل برائت، هیچ کسی را نمی‌توان به جرمی متهم کرد مگر آنکه قانون عمل وی را جرم دانسته باشد و بر همین اساس مسکن و شغل افراد مصون از تعرض است. (بهرامی، ۱۳۸۰: ۱۰۴)

از محورهای اصلی و مهم زندگی هر فردی، انتخاب شغل است و به‌طور کلی، انتخاب شغل برای هر فرد با توجه به جنبه‌های مختلف شغل و محیط کار وی، مفهومی متفاوت دارد. همچنین مرجع‌های ارزشی مؤثر در انتخاب شغل، در فرهنگ‌های مختلف هم متفاوت است. مذهب، جهان بینی، ارزش‌های جمعی و سنت‌های اجتماعی و تاریخی، مواردی هستند که بر انتخاب شغل، تأثیر می‌گذارند. دیدگاه یک نفر نسبت به خانواده، روابط اجتماعی، هنجارپذیری یا هنجارگریزی، انتخاب سرگرمی‌های روزانه و محتوای آنها، همگی ممکن است متأثر از نوع کار و وضعیت محیطی باشد که او در آن، مشغول به کار است. بایستگی‌های لازم در انتخاب شغل می‌تواند تسلط داشتن بر ابعاد مختلف و عالمانه نگرستن به آن شغل و همچنین اطلاع داشتن از ابعاد اجتماعی، فردی، اخلاقی و فقهی آن می‌باشد.

استوارت میل از فیلسوفان غربی اذعان دارد که افراد در انتخاب کار و شغل خود می‌بایست آزادانه رفتار کنند و اگر با رفتارهای قدرت طلبانه باعث ممانعت از این آزادی شویم عدالت حاکم نخواهد شد. (کری، ۱۳۷۹: ۱۰۵)؛ همچنین افرادی مانند آدام اظهار می‌دارند: انتخاب شغل افراد بر اساس آگاهی و تامل صورت می‌گیرد؛ در حالی که به نظر فروید^۲ کار و فعالیت و انتخاب شغل به‌طور ناآگاهانه محقق می‌شود؛ به عبارت دیگر عامل اجبار و فشار و اضطراب باعث می‌شود تا افراد هرکدام کاری را انتخاب کنند. (شفیع آبادی، ۱۳۷۲: ۹۳)

در دین مبین اسلام، آزادی در انتخاب شغل و حرفه را به رسمیت شناخته و در مقابل آن یعنی تحمیل شغل را مذموم دانسته است. البته برخی از مشاغل به لحاظ آنکه با شأن و کرامت انسانی و نیز آزادی معنوی و درونی انسان در تضاد می‌باشند، از دایره مشروعیت خارج کرده است. در زمان حکومت امیرمؤمنان علی (ع) عده‌ای نزد ایشان آمده و درخواست کردند که دستور حکومتی داده و قناتی را در منطقه مورد نظر آنان بوده و انباشته از خاک شده را خالی کرده و مجدد این قنات را احیاء نمایند. حضرت فرمود: «من کسی را به کاری که دوست ندارد مجبور نمی‌کنم» (احمدی میانجی، ۱۴۲۶: ۴۵/۱)

یکی از مباحث مهم در فعالیت‌های تجاری آزادی انتخاب شغل است زیرا حق آزادی انتخاب شغل باعث افزایش بهره‌وری و کارآمدی انسان‌ها در فعالیت‌های تجاری می‌شود. پیامبر (ص) می‌فرماید: «همگان تلاش و کوشش کنید اما توجه داشته باشید که هر کس برای کاری که آفریده شده لایق‌تر است و آن را با سهولت و آسانی انجام می‌دهد» (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳: ۴۸۲). همچنین خداوند متعال، انسان‌ها را در حد توان و ظرفیت آنان مکلف کرده است و کاری فراتر از قدرت و توانایی آدمیان درخواست نموده است. (بقره: ۲۸۹)

۳- طبقه‌بندی مشاغل در فقه اسلامی

مقصود از طبقه‌بندی شغل در فقه اسلامی، با توجه به آنکه مجموعه‌ای از تکالیف واجبی در کسب و کار وجود دارد که عدم ملاحظه در آن تکالیف از سوی صاحبان مشاغل، می‌تواند برای آنان حرمت تکلیفی و وضعی را به دنبال داشته باشد. (مفید، ۱۴۱۳: ۵۸۷) همچنین در کنار تکلیف شرعی برای صاحبان کسب و کار، مجموعه‌ای از وظائف و رسالت‌های اخلاقی توصیه شده نیز وجود دارد که البته با رعایت نمودن آن موجب حرمت وضعی نمی‌شود و حقوق و کسب درآمد را حرام نمی‌کند؛ اما با ملاحظه در روش استحصال و رزق جویی برای متصدیان کسب و پیشه در چارچوب اسلامی لازم می‌گردد. (مفید، ۱۴۱۳: ۵۹۰) انتخاب افراد در روش کسب و کار از محورهای مهم زندگی محسوب می‌گردد که با توجه به جهات گوناگون کسب و موقعیت شغلی او مفاهیم متفاوتی را در بر می‌گیرد. بایستگی‌های گوناگونی مانند مذهب، جهان بینی، ارزش‌های جمعی و سنت‌های اجتماعی و تاریخی در ارزش‌گذاری کسب و انتخاب شغل وجود دارد اما آنچه که در انتخاب روش کسب و کار در جوامع اسلامی ضروری می‌باشد، شاخص ارزشی تأثیر گذار انتخاب شغل در مدار رضایت حق تعالی است؛ بنابراین؛ کارکرد فقه اسلامی در طبقه‌بندی مشاغل، بررسی و تشخیص رفتار مکلف می‌باشد که شامل قصد و نیت طرفین در اجرای معامله (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۱۲۲/۸)، چگونگی بهره جستن از

1 Adams

2 Freud

لوازم کسب و پیشه (طوسی، ۱۴۰۰: ۳۷۱)، نحوه‌ی انتخاب الگوی درآمدزایی در مدار عقل و شرع (عاملی، ۱۴۱۰: ۲۰۶/۳) و متجلی نمودن وجدانیات در اجتماع برای تبیین اخلاق حرفه‌ای در پیشه‌وری و سلوک اکتساب است. (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۲۰۲/۴)

۴- ملاک‌های طبق بندی مشاغل

ملاک اصلی در طبقه‌بندی مشاغل و فضای کسب‌وکار مطابق با بیان شریف امام صادق (ع) در حدیث تحف العقول، به آن اموری بستگی دارد که بندگان خداوند برای عبادت کردن به آن امور ایستایی داشته و قوام زندگی بندگان بر آن امور وابسته است. پس هرگاه آن امور به هرجهتی از جهات به صلاح و باعث پایداری آنان در بندگی کردن باشد، خرید و فروش و نگهداری و بکار بردن و بخشیدن و عاریه آن نیز حلال می‌گردد، همچنین اگر به صلاح نبوده و در آن فساد برایشان باشد نیز حرام می‌گردد. (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۳۳۲) همانطور که هدف از خلقت انسان، پرستیدن و بندگی خداوند است (ذاریات: ۵۶) لذا ارزش‌گذاری در مشاغل و نحوه کسب روزی نیز در پرتو همان بندگی می‌باشد.

اگرچه مشهور فقها همانند محقق حلی، اکتساب و درآمدزایی را به سه دسته‌ی احکام حرام، مکروه و مباح تقسیم بندی نموده اند (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۴/۲) اما شیخ انصاری با متذکر شدن به این نوع تقسیم بندی، دو عنوان واجب و مستحب را اضافه کرده که مجموعاً پنج دسته از احکام را شامل می‌گردد.

ایشان با افزودن این دو عنوان، یادآور ارزش‌گذاری مشاغل در روایات شده چنانچه در وصف مشاغل و مکاسب واجب (عینی- کفایی) به شغل و حرفه طبابت اشاره نموده که گاهی به دلیل ناممکن بودن انجام آن توسط دیگران، از حالت واجب کفایی خارج گردیده به واجب عینی می‌رسد. همچنین اشاره‌ای به مشاغل مستحبی مانند زراعت و چوپانی می‌کند و آن را با استناد به روایات از قسم مشاغل و مکاسب مستحبی بر می‌شمارد. (انصاری، ۱۴۱۵: ۱۳/۱) البته قابل ذکر است که توسعه این تقسیم بندی قبل از شیخ انصاری در کتب بزرگانی مانند علامه حلی (حلی، ۱۴۱۳: ۵/۲)، ابن فهد حلی (حلی، ۱۴۰۷: ۳۳۳/۲-۳۳۴) و شهید ثانی (عاملی، ۱۴۱۳: ۱۱۸/۳) اشاره شده است.

با اضافه شدن این دو عنوان درمی‌یابیم که زندگی اجتماعی و نیازمندی‌های آدمی در مسائل اقتصادی، امنیتی و نظامی، فرهنگی، سیاسی به ناچار شغل‌ها و تخصص‌های متفاوتی می‌طلبد و یک انسان از عهده برآوردن تمام نیازهای خود برنمی‌آید؛ و این مهم نیز مطابقت با حدیث تحف العقول دارد.

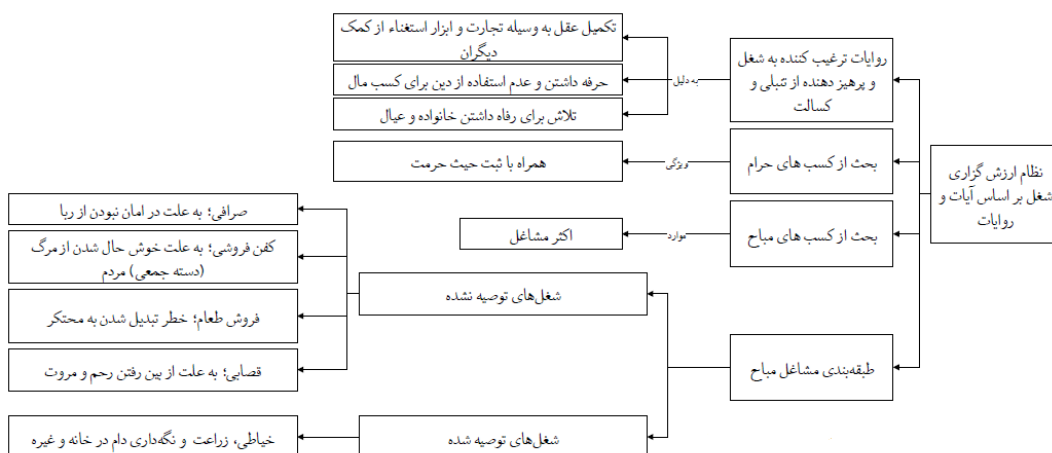
معیارهای حاکم بر طبقه‌بندی مشاغل در فقه امامیه با بررسی روایات، می‌توان چهار دسته را متصور شد تا بدین طریق؛ نظام صحیح ارزش‌گذاری مشاغل و روش اکتساب را در نگاه اسلام بدست آورد. این چهار دسته به شرح ذیل است:

اولین دسته روایات؛ روایات ترغیب‌کننده به فعالیت اقتصادی (پذیرش شغل).

دومین دسته روایات؛ مکاسب محرمه

سومین دسته روایات؛ روایات باب شغل‌های مباح

چهارمین دسته روایات؛ بیان‌کننده فضیلت مشاغل (کشوری: ۱۳۹۸).



شکل ۱- نظام ارزش‌گذاری شغل بر اساس آیات و روایات (ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸)

۵-۱- روایات ترغیب‌کننده به فعالیت اقتصادی (پذیرش شغل)

نخستین دسته از روایات در خصوص تشویق عموم انسان‌ها به پذیرش شغل و انجام فعالیت‌های اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به روایات مأثوره از سوی معصومین (علیهم السلام) آشکار می‌گردد که پذیرش شغل، آموزش و بهره‌گیری از یک حرفه، مورد توصیه این بزرگواران بوده و از طرفی نیز جامعه مسلمین را به پرهیز از کسالت و تن‌پروری دعوت نموده اند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۸۵/۵) بنا بر این دسته از روایات؛ نظامی از ارزش‌ها برای پذیرفتن شغل مطرح گردیده که با وجود آن می‌تواند پایه طبقه‌بندی مشاغل مورد نظر قرار بگیرد. (همان، ۶). بهبود بخشیدن به وضع زندگی و تدارک برخی از برنامه‌های اقتصادی در جامعه نه تنها نقص و عیبی برای یک انسان مسلمان به حساب نمی‌آید، بلکه ناشی از قوت ایمان و اراده استوار او در راه رسیدن به اهداف والای معنوی است. (پاک‌نیا، ۱۳۹۰: ۴۹) در همین راستا امام صادق (ع) بیان می‌دارد: «کوچیدن برای یک مسلمان عاقل شایسته نیست مگر در سه مورد: بهبود بخشیدن به وضع اقتصادی (سفرهای تجارتي)، کسب توشه آخرت (سفرهای زیارتي)، رسیدن به لذت‌های حلال (سفرهای تفریحی)» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۶۳/۱۷). البته در سلسله سند این روایت یک فرد مجهول به نام محمد بن مروان، باعث تضعیف روایت گردیده است اما با توجه به روایات دیگر بعنوان یک مؤید می‌توان بر صحت این روایت اذعان داشت. (شعیری، بی‌تا: ۱۸۱-۱۸۲) لذا در کنار جایگاه ارزشمند برای تاجر و کاسب از نظرگاه اسلام، چنانچه فردی یک نوع کسب و محل درآمد زایی را برای خویش بر می‌گزیند اگر بر مدار شرع و عقل و در پرتو رسیدن به اهداف والای انسانی و معنوی باشد؛ آن عنوان کسب نیز گرانمایه خواهد بود.

در بسیاری از روایات ارزش بالایی برای کار در نظر گرفته شده است و آن را از واجبات در نظر گرفته‌اند. در روایت گرانمایی از پیامبر اکرم (ص) نقل گردیده است: *طَلَبُ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ*؛ کار کردن برای کسب روزی حلال بر هر زن و مرد مسلمان واجب است (شعیری، بی‌تا: ۱۳۹). همچنین در احادیث مشابه به این مضمون نیز مطرح شده است که پس از نماز واجب، کار کردن و اکتساب از واجبات خواهد بود. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷/۱۰۰) و چنانچه از پیامبر اکرم پرسیده شد که کدام کسب انسان پاکیزه‌تر است؟ فرمود: کار کردن مرد با دست خود. (نوری، ۱۴۰۸: ۲۴/۱۳)

همچنین در توصیه اکید امیرمؤمنان علی (ع) نسبت به کسب‌وکار در ناداری و دارایی اشاره گردیده و بیان می‌کند «أوصیکم ... و الاکتساب فی الفقر و العنی» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۳۹۰)

از دیدگاه پیشوایان دینی؛ تلاش برای امر تجارت و اکتساب را به افراد، عزت بخش معرفی کرده اند (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۴۹/۵) و همواره سفارش بر فعالیت تجاری و اکتساب داشته‌اند. چنانچه در کتاب وسائل الشیعه حرّ عاملی، بخشی بعنوان (باب کراهت در ترک تجارت) که بیش از ۱۴ روایت در این زمینه بیان شده است. (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۳/۱۷)؛ که نمونه آن بدین ترتیب است: از اصحاب امام صادق (ع) به نزد امام رفت و ایشان از ز وضعیت معاذ پرسید. به حضرت پاسخ داده شد که تجارت را ترک کرده است. حضرت فرمود کار شیطان است، کسی که تجارت را ترک کند دو سوم عقلش رفته است. آیا ندانسته است که قافله‌ای از شام وارد شد و پیامبر از آنها جنس خرید و تجارت کرد و در آن سود نمود. پس بدهکاریش را پرداخت کرد. (همان، ۱۷).

همچنین در روایات دیگر برای فعالیت کسب و تجارت، نقش عبادی و ابزاری برای ارتقای معنوی انسان‌ها بر شمرده چنانچه پیامبر گرامی اسلام (ص) در رابطه با اهمیت فعالیت اقتصادی به‌عنوان آموزش دهنده گناهان یاد کردند و ارزش و مقام کار را بالاتر از نماز و صدقه قرار داده‌اند و ایشان می‌فرمایند:

إِنَّ مِنَ الذُّنُوبِ ذُنُوبًا لَأُكْفَرُهَا صَلَاةً وَ لَأَصْدَقَهُ، قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا يُكْفَرُهَا قَالَ الْهُمُومُ فِي طَلَبِ الْمَعِيشَةِ؛ بعضی از گناهان به‌وسیله نماز و صدقه هم آمرزیده نمی‌شوند. سؤال شد یا رسول‌الله! پس چه چیز موجب آمرزش آن است؟ فرمود: جدیت و تلاش در طلب معیشت (قطب الدین راوندی، ۱۴۰۷: ۵۶) در همین راستا است که حضرت طلب روزی را قسمت اعظم عبادت برمی‌شمارند؛ «الْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءُ تَسَعُهُ أَجْزَاءُ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ؛ عبادت ده جزء است که نه جزء آن در کار و تلاش برای به دست آوردن روزی حلال است» (شعیری، بی‌تا: ۱۳۹). در برخی از روایات از فعالیت اقتصادی به‌عنوان جهاد یاد شده است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «الكاد علی عیاله کالمجاهد فی سبیل الله؛ آن که برای تأمین معاش خانواده‌اش تلاش کند، همانند رزمنده در راه خدا است.» (کلینی، ۱۴۰۷: ۸۸ / ۵) اما این دسته از روایات نیز خود در چند دسته جزئی‌تر تقسیم می‌شوند؛ که صورت ذیل هستند:

- تکمیل عقل به وسیله تجارت و ابزار استغنا از کمک دیگران
- حرفه داشتن و عدم استفاده از دین برای کسب مال
- تلاش برای رفا داشتن خانواده و عیال (کشوری، ۱۳۹۸).

برخی از مردم که از فهم معنی گسترده عبودیت کاستی داشتند، کسب‌وکار را مظهر دنیابپرستی دانسته و تنها نماز و دعا و مانند آن را مظهر عبودیت می‌پنداشتند. از همین رو نیز ترک کار کرده و به عبادت مشغول شدند. در حالی که روح عبادت گوش به فرمان بودن است، آن فرمان هر چه خواهد باشد. به همین جهت معصومین علیهم السلام با بیانات مناسب این اندیشه جاهلانه را ارشاد و این کج‌روی را اصلاح کرده‌اند و سخنانی در نکوهش ترک طلب روزی و اشتغال بیان فرموده‌اند. شیخ اعظم انصاری با آن

اوقات و مشغله های علمی، هنگامی که کتاب مکاسب را نگارش نمود؛ پی بر اهمیت کسب و کار در اسلام برده و از این جهت یک حجره ای برای خویش در اوایل محیط حوزه علمیه محل تدریس فراهم نمود تا بتواند هر روز مقداری تجارت و کسب کند و سپس تدریس و تعلیم نماید. (نوری همدانی، ۱۳۹۳)

۵-۲- مکاسب مجرمه

دین اسلام که همه بخش های زندگی انسان ها را مورد توجه قرار داده است، نظام اقتصادی منظمی را ارائه داده است تا مسلمین بتوانند از طریق آن بهره جسته و با ارزش اقتصادی علاوه بر تأمین نیازهای خود بتوانند موجبات عزت خود را فراهم سازند. انسان ها در انتخاب شغل، دارای اختیار هستند و می توانند هر حرفه ای را که به آن علاقه دارند و شرایط آن نیز فراهم است دنبال کنند. اما از انجام بعضی کارها که با تکامل معنوی و روحی شان سازگاری ندارد و در واقع به ضررشان تمام می شود منع شده اند. در طبیعت کارهایی وجود دارند که انجامشان از سوی خداوند متعال و شرع مقدس ممنوع اعلام شده و به عنوان کارهای حرام مطرح شده اند این گونه کارها به گونه ای هستند که علاوه بر ضرر و زیان اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی، موجب سقوط معنوی و دوری از ارزش های الهی و انسانی می شوند.

کسب حرام با ابزاری همانند شغل و درآمدزایی نادرست پدید می آید و با توسل بر روش باطل در درآمد زایی می تواند به سبب آن، تاثیر شگرف منفی در زندگی بشر داشته باشد، لذا یکی از مباحث حائز اهمیت در فقه اسلامی، موضوع درآمدزایی صحیح و کسب حلال در زندگی است. احکام بسیاری در منابع اسلامی برای تبیین این مهم وجود دارد؛ چرا که انسان باید در این حوزه بیشترین توجه و دقت را داشته باشد تا زندگی پاک و سالمی در دنیا داشته و مسیر کمالی خود را به خوبی ببیند.

کسب مال حرام، انباشتن، خوردن و ساختن از حرام، پیامدهای ناگوار و خطرناکی در جنبه های مختلف زندگی انسان در پی خواهد داشت که شماری از بازتاب آن شامل برهم خوردن نظم اجتماعی، سپری کردن عمر بیهوده، هدررفت ثروت و سرمایه، تشکیل و امتداد نسل فاسد، به اجابت نرسیدن دعا و بطلان عبادات و در نهایت فراگیر شدن ظلم و گرفتاری انسان در آخرت. (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۹: ۴۱)

خدای متعال در قرآن کریم همه بندگان را به کسب روزی حلال دعوت نموده و می فرماید وَ كَلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ (مائده: ۸۸) و از نعمت های حلال و پاکیزه ای که خداوند به شما روزی داده است، بخورید و از [مخالفت] خداوندی که به او ایمان دارید، بپرهیزید.

در این آیه به صراحت بیان کرده است که مسلمان باید از شغل های که باعث حرام خوری هستند باید دوری کنند و به شغل های روی آورند که دارای روزی حلال هستند. اسلام فعالیت های اقتصادی را مد نظر قرار داده است که هم دارای عدالت اسلامی باشند و هم به توسعه جامعه کمک کنند.

در جای دیگر می فرماید: يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ (بقره: ۱۶۸) ای مردم! از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید! و از گام های شیطان پیروی نکنید چه اینکه او دشمن آشکار شماست. «کَلُوا» در این آیات کنایه از انواع تصرفات است که شامل تغذیه نیز می گردد؛ بنابراین بر شخص مسلمان واجب است که در حد ضرورت و به قدر توان، کار کند و مخارج خود و خانواده اش را تأمین سازد. شغل انسان باید مباح باشد و نیز مالی را که صرف هزینه های زندگی خود می کند، بایستی حلال باشد. اولیای گرامی اسلام همواره پیروان خود را از پستی و ذلت درخواست و طلب از دیگران باز می داشتند و می کوشیدند تا آنان را به عزت و بزرگواری عادت دهند؛ از آنان می خواستند که حتی در سخت ترین شرایط از کار شرافتمندانه برای امرار معاش خود دست برندارند و با سعی و کوشش، خود را از دیگران بی نیاز سازند. از این رو در اسلام معامله و کسب و کارهایی مانند خرید و فروش نجاسات، مال غصبی و چیزهایی که منافع معمولی آن حرام است، مانند فیلم ها و نوارهایی که استفاده آن ها جایز نباشد و... حرام و باطل معرفی شده اند (رکنی، ۱۳۹۷). پیامبر گرامی اسلام (ص) می فرماید: «ثَمَنُ الْخَمْرِ وَ مَهْرُ الْبَيْعِ وَ ثَمَنُ الْكَلْبِ الَّذِي لَا يَصْطَلِدُ مِنَ السُّحْتِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۹۴/۱۷) پول حاصل از فروش شراب، مهریه زن فاجر، بهای سگ که منافع حلال ندارد حرام است. بعضی از مشاغل هم هستند که انسان را در معرض گناه قرار می دهند مانند مواردی که شخص را ناگزیر از ارتباط بیش از اندازه با نامحرم می کند که این معیار مهم حتماً باید از جانب زن و مرد در انتخاب شغل مورد توجه قرار گیرد. پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - می فرماید: «هر کس که از چیزهای شبهه ناک دوری گزیند دین و آبروی خود را از ارتکاب به محرمات برکنار داشته و هر که در چیزهای شبهه ناک افتد در حرام خواهد افتاد مانند چوپانی که اطراف قرق (چراگاه) گوسفند چراند. بیم می رود که در قرق افتد.» (پابنده، ۱۳۳۴، ۱۴۱۴)

در بخش گذشته اشاره گردید که بر اساس روایت تحف العقول از بیان شریف امام صادق (ع) که ایشان اموری را حلال شمرده اند که قوام بندگی در آن موارد ایستایی دارد. همچنین در کتاب دعائم الاسلام نیز حضرت فرمودند: تجارت و کسب شامل همه معاملات و صور حلال داد و ستد می شود که فروشنده بدانند چه چیزی جایز است بخرد و چه چیز جایز نیست. بطور کلی خرید و فروش چیزهایی جایز است که خوراک مردم است و قوام امورشان به صورتی سالم وابسته به آنها است، ... اما کسب های حرام

عبارت است از خرید و فروش هر چیزی که در آن فساد باشد، یا چیزی باشد مشتمل بر فساد نظیر داد و ستد ربایی یا فروختن مردار و یا گوشت خوک یا شراب، یا فروش آنچه که در زمره لِهو محسوب بگردد. (ابن حیون، ۱۳۸۵: ۱۸/۲)

به طور کلی چند شاخص و اصل مهم برای تشخیص کسب و کار حلال نمایان می گردد. نخست آن؛ اصل احتیاج عمومی (آلتی یحتاج إليها العباد)، اصل سودمندی عمومی (آلتی منها منافعهم)، اصل قوام بودن اجتماعی (و بهها قوامهم) و همچنین بر مبنای (و فیها بلغة جميع حوائجهم) می توان به اصل پاسخگویی به نیازمندی های عمومی توده ها اشاره کرد. (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۰: ۲۸۱/۶) بنابراین، کسب حرام می تواند بر زندگی بشر اثر وضعی گذاشته و علاوه بر حرمت تکلیفی بر عناوین برخی از مشاغل، حرمت وضعی را نیز برای آنان ایجاد نماید.

۵-۳- روایات باب شغل های مباح

بسیاری از مشاغل در اسلام مباح می باشد و بنابر اصل اباحه می توان برای کسب و درآمد زایی از ابزار آن شغل بهره مند گشت. مباح بودن یعنی عملی است که انجام و ترک آن بر مکلف مساوی است؛ نه عذابی دارد و نه پاداشی؛ مانند راه رفتن. هر آنچه در موارد چهارگانه واجب حرام مستحب مکروه نباشد در قلمرو مباحات تلقی می گردد (فلاح زاده، ۱۳۸۴: ۲۲).

با تتبع در روایات در می یابیم که دو دیدگاه برای مشاغل مباح در نظر گرفته شده است و در اسلام به دو گونه فعالیت اقتصادی مباح اذعان شده است. نخستین آن در رابطه با مشاغل مباحی که بسیار توصیه گردیده و نوع دیگر آن، مشاغلی است که از آن نهی شده است.



شکل ۲- طبقه بندی مشاغل مباح (ماخذ: کشوری، ۱۳۹۸)

نهی این نوع مشاغل از نوع تکلیفی نیست بلکه به جهت آثار فردی و تأثیرگذاری منفی بر بعضی از افرادی می باشد که ظرفیت لازم برای اشتغال در آن کسب را ندارند. چنانچه امام صادق (ع) در حدیثی در جواب یکی از شیعه ها به او پیشنهاد می کند که فرزندش را در چند شغل نگمارد. امام صادق (ع) به آن شیعه بیان می کند که فرزند خود را در صرافی نگمارد چرا که باعث ربا می شود و فرمودند اند "فَإِنَّ الصَّيْرُفِيَّ لَا يَسْلَمُ مِنَ الرِّبَا"، اگر او را به زرگری بفرستی، سر از ربا در می آورد (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۱۴/۵). چون که زرگری از شغل ها و معاملاتی است که به سرعت ربا در آن پیدا می شود. مثلاً در تبدیل طلا به طلا، اگر یک گرم اضافه تر شود، این مشمول ربا می گردد. اگر ظرفیت برای آن فرد ایجاد نگردد می تواند او را به صورت ناگهانی و یا تدریجی به گناه آلوده سازد و به مهلکه حرام خواری بکشاند؛ بنابراین می تواند چنین مشاغلی مخاطره آمیز باشد. اگرچه اصل شغل حرام نیست ولی چون ممکن است بدون ایجاد ظرفیت مقدمه گناه را فراهم سازد و گناه هم روح انسان ها را ویران می سازد، لذا شغل مکروهی است و از آن نهی شده است (تهرانی، ۱۳۸۹).

"وَأَلَّا تَسْلِمَهُ بِيَاغِ الْأَكْفَانِ فَإِنَّ صَاحِبَ الْأَكْفَانِ يَسْرُهُ الْوَبَاءُ إِذَا كَانَ"، حضرت در ادامه فرمودند: فرزندت را به کفن فروشی هم نفرست. بعد در ادامه حدیث دارد: "وَأَلَّا تَسْلِمَهُ جَزَّارًا"، جزار یعنی سلاخ؛ حضرت فرمودند: فرزندت را به کار سلاخی نگمار! در روایت دیگری که آن هم از امام صادق (علیه السلام) است آمده است که امام صادق از پیغمبر اکرم نقل می کند: "عن أبي عبدالله جعفر بن محمد (عليه السلام) قال: إن رسول الله (ص) قال: "بيغمبر فرمودند که من به خاله ام غلامی را هدیه دادم و گفتم: "إِنِّي أَعْطَيْتُ خَالَتِي غُلَامًا وَ نَهَيْتُهَا أَنْ تَجْعَلَهُ قَصَّابًا"، این غلام را برای کار قصایی نگذار! "أَوْ حَجَّامًا أَوْ صَائِنًا" صائغ همان زرگر است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۱۴/۵).

در روایاتی دیگر دیده می شود که پیامبر و امامان پیروان خود را به انجام این دسته از شغل ها تشویق کردند همانند کشاورزی. هارون واسطی که از اصحاب امام صادق (علیه السلام) است، می گوید: "سَأَلْتُ جَعْفَر بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَام عَنْ الْفَلَّاحِينَ" از امام صادق (علیه السلام) درباره فلاحان سؤال کردم؛ "فَقَالَ هُمْ الزَّارِعُونَ كُنُوزُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ مَا فِي الْأَعْمَالِ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنَ الزَّرَاعَةِ وَ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا زَارِعًا إِلَّا إِذْ رِيسَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّهُ كَانَ حَيَّاطًا لِلْفَلَّاحِينَ" حضرت فرمودند: آن ها کشاورز بودند و هیچ

کاری نزد خداوند از کشاورزی بهتر نیست. هیچ پیغمبری نبود مگر آن که زراعت می کرد جز ادریس که خیاط بود. من این روایت را برای مقابله با روایت قبلی آورد (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۸۴/۶).

نتیجه گیری

با توجه به یافته های تحقیق می توان نتیجه گرفت که اسلام به عنوان آیینی کامل و جامع، برای همه جوانب مادی و معنوی زندگی، دستور و توصیه های دقیق ارائه داده که با عمل نمودن به آن می توان به اقتصادی پویا و در مدار عقل دست یافت. فعالیت های تجاری به اندازه ای در اسلام حائز اهمیت هستند که در بسیاری از روایات آن را همانند جهاد دانسته اند چرا که باعث می شود که مسلمان از عزت نفس بالایی برخوردار باشد و اجازه ندهد که کفار و بیگانگان بر آن حکم براند. آزادی در انتخاب شغل همراه با قیودی است که از دیدگاه اسلام برای حفظ نظام اقتصادی مورد نظر قرار گرفته است. در وهله نخست، اسلام همگان را برای پذیرش شغل و فعالیت های تجاری و کسب دعوت نموده و سپس برای بهبود رفاه در جامعه و حاکمیت عقلانی در فضای کسب و کار در راستای رسیدن به ارزش های معنوی و مادی، مشاغل را طبقه بندی می نماید. اگر برگزیدن شغل در امتداد تباهی و ایجاد یا استمرار فساد باشد، آن شغل از دیدگاه فقه اسلامی مطرود بوده و توصیه به عدم پذیرش چنین مشاغلی دارد. از ملاک های اصلی طبقه بندی مشاغل نخست، تلاش برای کسب روزی حلال و سپس توجه به عدم اختلال در نظام اقتصادی و حفظ نظم اجتماعی برای توسعه امت اسلامی می باشد. چنانچه عقل و شرع در طبقه ای از مشاغل حاکم شود، نوعی عبادت محسوب گشته و می تواند سبب قوام جامعه اسلامی گردد. پس توجه به طبقه بندی مشاغل و همچنین باید ها و نیاید های نظام درآمد زایی در فقه المکاسب معطوف به رفع نیازهای ضروری بشر نبوده بلکه درصدد ایجاد عدالت اجتماعی و امنیت اقتصادی نیز می باشد؛ بنابراین شاخص ارزشی تاثیر گذار انتخاب شغل در مدار رضایت حق تعالی جای دارد و لذا کارکرد فقه اسلامی در طبقه بندی مشاغل، بررسی و تشخیص رفتار مکلف می باشد. از بایستگی های لازم در انتخاب شغل می تواند تسلط داشتن بر ابعاد مختلف و عالمانه نگریستن به آن شغل و همچنین اطلاع داشتن از ابعاد اجتماعی، فردی، اخلاقی و فقهی آن می باشد.

منابع

- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴)، معجم مقاییس اللغة، قم، نشر مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت، نشر دارالصادر، چاپ سوم
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴)، تحف العقول، قم، نشر جامعه مدرسین، چاپ دوم
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵)، دعائم الاسلام، قم، نشر مؤسسه آل البیت علیهم السلام، چاپ دوم
- احمدی میانجی، علی (۱۴۲۶)، مکاتیب الائمة علیهم السلام، قم، نشر دارالحدیث، چاپ اول
- ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱)، تهذیب اللغة، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول
- انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵)، کتاب المکاسب، قم، نشر کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چاپ اول
- ایروانی، جواد (۱۳۹۰)، اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، مشهد، نشر دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ دوم
- بستانی، فواد افرا (۱۳۷۵)، فرهنگ ابجدی، تهران، نشر اسلامی، چاپ دوم
- بجنوردی، سید حسن (۱۴۱۹)، القواعد الفقهیه، قم، نشر الهادی، چاپ اول
- بروس ای. شرتزر، بررسی و برنامه ریزی زندگی شغلی، ترجمه زندی پور، تهران، انتشارات فردوسی، چاپ اول
- بهرامی، قدرت الله (۱۳۸۰)، نظام سیاسی اجتماعی اسلام، قم، نشر دفتر نمایندگی ولی فقیه سپاه پاسداران، چاپ اول
- پابنده، ابوالقاسم (۱۳۲۴)، نهج الفصاحه، ترجمه مرتضی فرید تنکابنی، نشر فرهنگ اسلامی
- پاک نیا، عبدالکریم (۱۳۹۰)، لقمه پاک و تأثیر آن در زندگی، قم، نشر فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام)، چاپ اول
- تبریزی، جواد بن علی (۱۴۱۶)، إرشاد الطالب إلى التعلیق علی المکاسب، قم، نشر مؤسسه اسماعیلیان، چاپ سوم
- تقوی، سید مرتضی (۱۳۷۴)، جایگاه فقه در اندیشه دینی، قم، مجله فقه اهل بیت، سال اول، ش ۲.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۹۸)، جامعه شناسی کار و شغل، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)
- تهرانی، مجتبی (۱۳۸۹)، معیار انتخاب شغل از دیدگاه ائمه (ع) دلیل کراهت داشتن برخی شغلها از نگاه ائمه (ع)، <https://hawzah.net/fa/News/View/87183>
- حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳)، قواعد الأحکام فی معرفه الحلال و الحرام، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول
- حلّی، احمد بن محمد (۱۴۰۷)، المهدب البارع فی شرح المختصر النافع، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت (علیهم السلام)، چاپ اول
- حکیمی، محمدرضا؛ محمد حکیمی و علی حکیمی (۱۳۸۰)، الحیاء، مترجم: علی آرام، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول

- جمعی از پژوهشگران (۱۳۸۹)، کار و تلاش، رمز موفقیت: مجموعه متنهای برنامه ای درباره همت و تلاش، تهران، نشر مرکز پژوهش های اسلامی صداوسیما، چاپ اول
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۹۳)، مبانی اقتصاد اسلامی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، چاپ هشتم
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم، چاپ اول
- رکنی، محمد تقی (۱۳۹۷)، کسب و کار، درآمد حلال و حرام، پایگاه اطلاع رسانی حوزه، <https://hawzah.net/fa/Article/View/96591>
- شایان مهر، علیرضا (۱۳۷۷)، دایره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، تهران، انتشارات کیهان، چاپ اول
- شهبازی، محمود (۱۳۷۵)، ادوار فقه، تهران، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ پنجم
- شریف مرتضی، علی بن حسین (۱۴۰۵)، رسائل الشریف المرتضی، قم، نشر دار القرآن الکریم، چاپ اول
- شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار (لشعیری)، نجف، مطبعه حیدریه، چاپ اول، بی تا.
- شفیع آبادی، عبدالله (۱۳۷۲)، راهنمایی و مشاوره شغلی و حرفه ای، تهران، انتشارات رشد، چاپ اول
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۰)، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت، نشر دارالکتب العربی، چاپ دوم
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷)، المبسوط فی فقه الإمامیة، تهران، نشر المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، چاپ سوم
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷)، تَهذیبُ الْأَحْکَام، تهران، نشر دارالکتب الاسلامیة، چاپ چهارم
- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳)، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم، نشر مؤسسه المعارف الاسلامیة، چاپ اول
- عاملی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم، کتابفروشی داوری، چاپ اول
- عبدالناصر، جمال (۱۴۱۰)، موسوعة الفقه الاسلامی، قاهره، نشر وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامیة
- علوی زادگان، نسترن (۱۳۹۷)، نگاهی به جایگاه و اهمیت کار در اسلام، انتشارات پژوهش: بانک مقالات علوم انسانی و اسلامی
- فلاحزاده، محمد حسین (۱۳۸۴)، آموزش فقه، قم، انتشارات الهدای، چاپ بیست و چهارم
- قحف، منذر (۱۳۸۴)، دین و اقتصاد: نظام اقتصادی اسلام و علم تحلیل اقتصاد اسلامی، مترجم: سید حسین میرمعزی، اقتصاد اسلامی سال پنجم ۱۳۸۴ شماره ۱۸.
- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب العلمیة، چاپ ششم
- قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله (۱۴۰۷)، الدعوات / سلوة الحزین، قم، انتشارات مدرسه امام مهدی (عج)، چاپ اول
- کری، جان (۱۳۷۹)، فلسفه سیاسی، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران، نشر طرح نو، چاپ اول
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیة، چاپ چهارم
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۰)، کتاب اصول کافی، مترجم: حسین استادولی، تهران: انتشارات دارالتقلین، ۱۳۹۰
- کشوری، علی (۱۳۹۸)، دوره مقدماتی فقه المکاسب، جلسه دوم، شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی- <http://nro.di.blog.ir/1398/07/01>
- گیدنز، آنتونی؛ جامعه شناسی، منوچهر صبوری، تهران، نی، ۱۳۷۷، چاپ چهارم، ص ۵۱۷.
- محقق حلّی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸)، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، نشر مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم
- معین، محمد (1375) فرهنگ فارسی، ۵ جلد، تهران: امیرکبیر.
- مفید، محمد بن محمد بغدادی (۱۴۱۳)، المقنعة، قم، نشر کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ اول
- مشکینی، میرزا علی (۱۴۱۹)، مصطلحات الفقه و معظم عناوین الموضوعیة، قم، نشر الهدای، چاپ اول
- مصطفوی، حسن (۱۴۳۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت- قاهره، نشر دارالکتب العلمیة، چاپ سوم
- میک، رونالد (۱۳۸۵)، پژوهشی در نظریه ارزش کار، ترجمه م. سوداگر، تهران، انتشارات پازند.
- نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول
- نوری همدانی، حسین (۱۳۹۳)، آرشیو دروس خارج فقه (کتاب البیخ)، سایت مدرسه فقاقت، <http://www.eshia.ir/feqh/archive/text/noori/feqh/93/931028/>
- هوشمند، محمود؛ عصفوری، مهدی و ملکی، مریم (۱۳۸۷)، ابزارهای اقتصادی تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی از منظر اسلام (با تکیه بر اندیشه امیر المومنین (ع))، محل انتشار: همایش اقتصاد اسلامی و توسعه
- یوسفی، احمد علی (۱۳۸۷)، نظام اقتصادی علوی، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ سوم

The analysis and investigation of job classification criteria based on *fiqh-al-makasib*

Rohollah Ahangaran¹, Meysam Javid²

Abstract

The economy and financial affairs have always been considered as a fundamental element in humans' life even when they have not turned to social life, but today, the economy and the way of doing business have taken a stunning leap forward and been manifested in societies in a special way as the social life has become more complicated and the societies have exited the initial stages and the humans' broad relationships have been established. Due to the governing society-individual interactions, the economic activities in human societies have continuously received lots of attention throughout the ages. Considering the importance of economic activities in the society, the Islam religion has created a value system so that Muslims can *attain worldly* and supreme *felicity*. The purpose of this research was to analyze and investigate the job classification criteria based on *fiqh-al-makasib* to show an overview of the importance of economic activity and valuation index in business and to investigate the permissible and forbidden jobs. This research was conducted using descriptive-analytical method and library documents and *indexing* forms. Results of this research showed that the economic activities and income earning are of considerable importance in Islam religion. Therefore, in order to protect the society and prevent the disorder in the economic system, it has classified jobs to not only pay special attention to and emphasize the business activity for production and subsistence, but also to direct the society to choose the right and rational jobs.

Keywords: Income, Jobs classification, *Fiqh-al-makasib*, Business, Jurisprudential evaluation of jobs, Economic system, Making money through illegal ways, Permissible job

1 PhD student of jurisprudence (fiqh) and principles of law major, Islamic Azad University, Central Tehran Branch; Email: r.ahangaran@chmail.ir

2 PhD student of jurisprudence (fiqh) and principles of law major, Islamic Azad University, Central Tehran Branch; Email: meys99@yahoo.com

سال پنجم، شماره ۵۱، اسفند ۱۳۹۸

نشریه علمی-پژوهشی
ISSN: 2476-3667